



## سهم نگرش و کنش نخبگان سیاسی در برپایی آرامگاه فردوسی\*

معین کارگری<sup>۱</sup>، محمدحسن خادمزاده<sup>۲\*</sup>، توران طولابی<sup>۳</sup>

۱۳۹۹/۰۴/۰۹

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۹/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله :

### چکیده

**بیان مساله:** بازآرایی فرهنگی و بازتعریف هویت ملی بر پایه خوانشی باستان‌گرا از فرهنگ و تمدن ایرانی از جلوه‌های بارز نگرشی بود که از میانه دوره قاجاریه هویدا شد. نگرشی که از جمله رهاوردهای آن، پاسداشت آن دسته از مشاهیر فرهنگی گذشته بود که در حفظ هویت ایرانی نقش داشتند. در چارچوب این نگرش بود که فردوسی جایگاه بی‌بدیلی یافت. برگزاری هزاره فردوسی و برپایی آرامگاه او در دوره پهلوی، اقدامی در جهت بزرگداشت جایگاه وی بود. در این میان، سهم نخبگان سیاسی دوره پهلوی، و نگرش و کنش آنان در پیوند با آرامگاه فردوسی، جلب توجه می‌کند.

**سوال تحقیق:** پژوهش حاضر بر محور این پرسش‌هاست که نگرش و کنش نخبگان سیاسی نسبت به پاسداشت فردوسی چه بود؟ و آنان چه سهمی در روند طراحی و ساخت آرامگاه او داشتند.

**اهداف تحقیق:** هدف این پژوهش شناخت نوع دیدگاه و کنش نخبگان سیاسی در پاسداشت فردوسی، و شرح چگونگی بروز این نقش در روند طراحی و برپایی آرامگاه اوست.

**روش تحقیق:** پژوهش حاضر پژوهشی تاریخی از نوع توصیفی تحلیلی است. جنبه تحلیلی آن، تبیین سهم نگرش برخی اندیشه‌وران و نخبگان سیاسی در بزرگداشت چهره‌های سرشناس فرهنگی و به ثمر نشستن این نگرش در قالب برگزاری کنگره و احداث آرامگاه فردوسی، و وجه توصیفی آن شرح گام‌هایی است که با برپایی انجمن آثار ملی، جست‌وجوی مزار فردوسی، تأمین منابع مالی، و طراحی و ساخت آرامگاه برداشته شد. همچنین این پژوهش برپایه واکاوی محتوای خاطرات، سخنرانی‌ها، نشریات، آثار منتشرشده انجمن آثار ملی، مصوبات مجلس شورای ملی و اسناد سازمان اسناد ملی ایران انجام می‌شود.

**مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق:** نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که ضرورت توجه به هویت ملی و پاسداشت مشاهیر فرهنگی، به تدریج در اواخر دوره قاجاریه، از سطح نخبگان فرهنگی عبور کرد و نخبگان سیاسی را به مذاقه واداشت. دیدگاه‌های نخبگان سیاسی که در نشریه‌ها و سخنرانی‌های وقت بازتاب می‌یافت، به کنش‌گری آنان در این زمینه منجر شد که برآیند آن شکل‌گیری انجمن آثار ملی، و آغاز روند طراحی و برپایی آرامگاهی برای فردوسی بود. چنانکه فردوسی در اندیشه اندیشه‌وران و نخبگان سیاسی احیاکننده تاریخ و زبان ایران خوانده می‌شد، معماری آرامگاه او نیز سبکی احیاگرانه داشت.

**کلمات کلیدی:** آرامگاه فردوسی، نخبگان سیاسی، انجمن آثار ملی، مشاهیر فرهنگی، معماری معاصر، رضاشاه.

\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان «زمینه‌ها و ضوورت‌های شکل‌گیری انجمن آثار ملی؛ بررسی رویکردها و اقدام‌ها (۱۳۰۱-۱۳۵۷ش)» است که با راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشکده معماری دانشگاه تهران انجام شده است.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران؛ ایمیل: Mkargari@ut.ac.ir

<sup>۲\*</sup> استادیار گروه مرمت، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران (نویسنده مسئول)؛ ایمیل: Khademzade@ut.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد؛ ایمیل: Toolabi.t@lu.ac.ir

## ۱- مقدمه

ضرورت توجه به هویت ملی و ارکان گوناگون آن، یکی از دغدغه‌های مهم در اندیشه‌ی شماری از متفکران دوره‌ی قاجاریه به حساب می‌آمد. در میان جنبه‌های گوناگون این نگرش، توجه به میراث فرهنگی تاریخی، و مشخصاً احیای یاد و نام چهره‌های تراز اول حوزه‌ی فرهنگ و زبان فارسی، بارز بود. بدین‌سان، ضرورت درنگ درباره‌ی هویت ایران، و بازخوانی آن، از نظرگاه جایگاه مشاهیر فرهنگی و اهمیت زبان فارسی، صورت مهمی به خود گرفت. این دو وجه، در شخصیت فردوسی به هم رسیدند. از این‌رو، اعتنا به فردوسی، به‌عنوان یکی از نام‌آوران عرصه‌ی زبان و ادب فارسی، موضوع مهمی بود که در کانون توجه شماری از اندیشمندان دوره‌ی قاجاریه قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که انتقاد آنان از شعر سنتی ایران متوجه فردوسی نبود و عموماً از او به نیکی یاد می‌شد (Tavakoli-Targhi, 2009: 8). درحالی‌که در دوره‌ی قاجاریه، اهمیت پاسداشت چهره‌های سرشناس فرهنگی و جایگاه زبان فارسی عمدتاً دغدغه‌ای در میان نخبگان فرهنگی بود، این دغدغه به‌مرور به سطح نخبگان سیاسی انتقال یافت. شاهد آشکار آن، نقش شماری از نخبگان سیاسی در تأسیس انجمن آثار ملی است که ضرورت پاسداشت فردوسی در دیدگاه‌هایشان عیان بود. تکاپوی آنان در نهایت به برگزاری کنگره‌ی فردوسی و برپایی آرامگاه او در سال ۱۳۱۳ انجامید. ساخت آرامگاه فردوسی تاکنون از منظرهای گوناگون در کانون توجه پژوهشگران بوده است، اما توجه به بعد مغفولی از موضوع، یعنی سهم نگرش و کنش نخبگان سیاسی، هدف پژوهش پیش‌روست. وانگهی، در خلال پژوهش نشان داده خواهد شد که چگونه نگرش نخبگان سیاسی که میراثی از تجربه‌ی دوره‌ی قاجاریه (مشخصاً مشروطه) و متأثر از گفتمان مسلط دوره‌ی پهلوی (مبتنی بر باستان‌گرایی) بود، در ویژگی‌های معمارانه‌ی بنا بازتاب یافت.

## ۲- پرسش‌های تحقیق

پژوهش حاضر بر طرح سه پرسش استوار است: نگرش نخبگان سیاسی به پاسداشت فردوسی چه بود؟ این نگرش چه کنشی در پی داشت؟ و این کنش به چه ترتیبی در روند ساخت آرامگاه و ویژگی‌های معمارانه‌ی آن

اثر گذاشت؟ بر همین‌اساس، هدف این پژوهش شناخت نگرش و سرشت کنش نخبگان سیاسی در پاسداشت فردوسی، و شرح سهم این نگرش و کنش در روند طراحی و برپایی آرامگاه اوست.

## ۳- فرضیه تحقیق

در پژوهش حاضر، این مدعا به آزمون گذاشته می‌شود که نخبگان سیاسی در دو سطح نگرش و کنش، سهم قابل توجهی در تمرکز بر مقوله‌ی پاسداشت مشاهیر فرهنگی و مشخصاً فردوسی داشتند. سهم نگرش و کنش نخبگان سیاسی اگرچه در دوره‌ی پهلوی بروز عینی یافت، اما تبار آن به دوره‌ی قاجاریه، و به‌ویژه به مقطع پس از انقلاب مشروطه، بازمی‌گشت. ملت‌پسند شدن سپهر سیاسی ایران پس از تجربه‌ی دو کودتایی که نخستین و دومین مجلس شورای ملی را به محاق برد، عملاً نظم نو را در برابر ساختار کهن قدرت به زانو درآورد. این امر در کنار دست‌اندازی‌های خارجی، بیم از دست‌رفتن کیان ایران را در کانون توجه دغدغه‌مندان قرار داد.

نخبگان سیاسی هم بخشی از آن دغدغه‌مندان بودند که یکی از راه‌هایی که برگزیدند، تلاش برای وحدت ملی، بر محور تاریخ و به‌ویژه چهره‌های سرشناس فرهنگی، بود. بدین‌ترتیب بود که برخی از نخبگان سیاسی نگرشی عمدتاً ستایش‌گرانه نسبت به فردوسی بروز می‌دادند و از ضرورت پاسداشت او سخن می‌گفتند. گرد هم آمدن نخبگان سیاسی و تأسیس انجمن آثار ملی، به این نگرش تعین بخشید و زمینه‌ی بروز عینی آن را فراهم کرد. کنش‌گری آنان، تلاش عملیاتی انجمن برای یافتن مزار فردوسی، تأمین بودجه، و بسترسازی برای طراحی و در نهایت، ساخت آرامگاه این چهره‌ی ادبی بود.

## ۴- پیشینه تحقیق

برگزاری کنگره و احداث آرامگاه فردوسی، نظر دست‌کم چهار دسته از پژوهشگران را به خود جلب کرده است: دسته‌ی نخست، پژوهش‌هایی با محوریت زندگی‌نامه هستند که حین بررسی حیات برخی رجال سیاسی، به این موضوع اشاره کرده‌اند. برای نمونه، در شرح زندگی‌نامه‌ی کیخسرو شاه‌رخ، حسن اسفندیاری (محتشم‌السلطنه) و محمدعلی فروغی اشاره‌ای مختصر به نقش آنان در برآمدن انجمن آثار ملی و برپایی آرامگاه



فردوسی درج شده است (مرسلوند، ۱۳۷۶/۱: ۱۶۶ و ۱۲۲ و یاققی و سیدیزدی، ۱۳۸۶).

دسته دوم، برخی پژوهش‌های دوره پهلوی‌اند که روایتی رسمی از رویدادهایی مانند برگزاری کنگره و احداث آرامگاه را بازتاب می‌دهند. کتاب‌های پاسداری از آثار باستان باستان در عصر پهلوی و کارنامه انجمن آثار ملی از جمله پژوهش‌های این دسته‌اند (افسروموسوی، ۱۳۵۵ و بحرالعلومی، ۱۳۵۵).

دسته سوم، پژوهش‌هایی متأخر با محوریت تاریخ معاصر ایران هستند که اشاره‌ای گذرا به برگزاری کنگره و احداث آرامگاه داشته‌اند. برخی این رخداد را در چارچوب انگاره‌های ملی‌گرایانه تفسیر کرده‌اند (ضیابراهیمی، ۱۳۹۶: ۲۸۱) و برگزاری هزاره فردوسی و احداث آرامگاه او را در هم‌آمیزی سیاست با معماری، باستان‌شناسی و حتی کالبد گذشتگان نام‌آور خوانده‌اند (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۱۶۳) و برپایی آرامگاه فردوسی و همه رویدادهایی وابسته به آن را سبب‌ساز بازنویسی ملت برپایه خلوص باستان، دیرپایی پادشاهی<sup>۲</sup> و نوزایی ملی<sup>۳</sup> دانسته‌اند (Grigor, 2015). برخی دیگر بر تلاش نخبگان سیاسی برای بزرگداشت ناموران فرهنگی مانند فردوسی (خادم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۹) و به‌ویژه بر نقش *انجمن آثار ملی* در برگزاری کنگره و احداث آرامگاه، با هدف بازسازی<sup>۴</sup> ایران به‌عنوان یک ملت آریایی باستانی احیاشده<sup>۵</sup> (Tavakoli-Targhi, 2008: 112)، تأکید کرده‌اند.

دسته چهارم، پژوهش‌هایی‌اند که شرح بیشتری درباره برگزاری کنگره و احداث آرامگاه ارائه داده‌اند (Grigor, 2004, 1999, 2004, Shahbazi, 1385 و شافعی و دیگران، ۱۳۸۴). از میان پژوهش‌های این دسته، می‌شود به پژوهش مرعی اشاره کرد که در بخشی از فصل چهارم کتاب خود که «ملت و خاطره» نام دارد، به «جشن هزاره فردوسی»<sup>۶</sup> پرداخته است و حین این پرداخت، اشاره‌ای گذرا نیز به آرامگاه فردوسی داشته است (Marashi, 2009: 124-132).

وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های یادشده، سه جنبه دارد: نخست، در پژوهش‌های پیشین یا چندان به زمینه برپایی کنگره و احداث آرامگاه فردوسی پرداخته نشده و یا اگر هم پرداخته شده، عمدتاً با رجوع به

مجلات و مجلاتی چون کاوه و ایرانشهر صورت گرفته است؛ درحالی‌که در پژوهش حاضر کوشش می‌شود بر دیدگاه نخبگان سیاسی درباره پاسداشت فردوسی و کنش‌گری آنان تأکید شود. دوم، از آنجا که در برخی از پژوهش‌های پیشین، عمدتاً به روند طراحی و برپایی آرامگاه توجه شده است، در این پژوهش سعی بر آن است که بر جنبه‌هایی که تاکنون در این روند مغفول مانده (مانند نحوه تأمین منابع مالی و طرح هرتسفلد) تأکید شود. بعد سوم وجه تمایز این پژوهش، ناظر بر کاربست منابعی مانند روزنامه‌های اطلاعات و کوشش، نشریاتی مانند آینده و ارمغان، اسنادی از سازمان اسناد ملی ایران، قوانین مجلس شورای ملی و آثار منتشرشده/تجمیع آثار ملی است که در پژوهش‌های پیشین کمتر به آن‌ها اعتنا شده است.

#### ۵- روش تحقیق

نظر به موضوع پژوهش حاضر که مقوله معماری در آن محوریت دارد، رویکرد میان‌رشته‌ای بر آن حاکم است. ماهیت این پژوهش، تاریخی و نوع آن توصیفی تحلیلی است. جنبه توصیفی آن، ارایه روایتی تاریخی از روندی است که به ساخت آرامگاه انجامید. هم‌چنین کوشش می‌شود برخی جنبه‌های طراحی و ساخت بنا هم واریسی شود؛ جنبه‌هایی که در حیطه معماری معنا می‌یابد و بر ویژگی‌های معمارانه بنا دلالت می‌کند.

در جنبه تحلیلی پژوهش، زمینه تاریخی برپایی آرامگاه بررسی می‌شود. اگر در نگارش تاریخ، توصیف رخداد اهمیت دارد، شناخت زمینه‌هایی هم که بستر ظهور و علت آن رخداد به شمار می‌روند، مهم است (ملایی‌توانی، ۱۳۹۷: ۱۶۷). «زمینه تاریخی»<sup>۷</sup> به رویدادها و تصمیم‌های سیاسی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی عطف می‌کند که طی زمان روی می‌دهد و می‌تواند وضعیتی را که مطالعه می‌شود، توضیح دهد و یا با آن پیوند یابد (Schensul, 2008: 392). در پژوهش حاضر، این زمینه تاریخی بیش از همه در دیدگاه نخبگان سیاسی و کنش آنان پی گرفته می‌شود.

در این پژوهش، برای بررسی نگرش نخبگان سیاسی از روزنامه‌هایی مانند کوشش، مجله‌هایی مانند ارمغان و آینده، متن سخنرانی‌های رجالی مانند کیخسرو شاهرخ و محمدعلی فروغی، و خاطرات استفاده می‌شود. هم‌چنین



برای نمونه، میرزاآقاخان کرمانی در اظهارنظری که وجه بلاغی آن بارز است، ضمن اشاره به اینکه در سوریه و اطراف آن، مزار برخی از شاگردان پیامبران بنی‌اسرائیل و کاهنان یهود معلوم است، بر وضعیت ایران در این زمینه تاخت و از اینکه در ایران هیچ‌کس دخمه بزرگانی چون زرتشت، فریدون، کیخسرو و کاووس را نمی‌شناسد، ابراز تأسف و تعجب کرد (کرمانی، بی‌تا: ۱۷).

در میان نام‌آورانی که اندیشمندان این دوره از ضرورت آشنایی با او سخن می‌گفتند، فردوسی جایگاه بی‌بدیل و منحصربه‌فردی داشت. وقتی از چهره‌های اسطوره‌ای چون فریدون و کیخسرو سخن به میان می‌آمد، دیگر تأکید بر جایگاه فردوسی چندان غریب نبود. البته عنایت به فردوسی اتفاق تازه‌ای نیز نبود. ترجمه شاهنامه به دیگر زبان‌ها، تصویرگری داستان‌های آن، و سرودن شعرهایی به سبک این کتاب، در ایران و مناطقی چون آسیای صغیر، پیشینه داشت (ریاحی، ۱۳۸۰: ۳۳۶-۳۳۴)؛ اما اعتنا به او در دوره قاجاریه، از جهتی دیگر اهمیت یافت. اینکه شاهنامه چونان اثری قابل تقدیس مطرح شد که برای طرح مفهوم ملیت در ایران می‌توانست کارآمد باشد. بازتاب این موضوع را می‌شود در انتشار نسخه‌های خطی، سنگی و چاپی از شاهنامه، و تقلید از سبک سروده‌های آن، دید (Marashi, 2009: 94).

میرزاآقاخان کرمانی و فتحعلی آخوندزاده از جمله اندیشمندان دوره قاجاریه بودند که در نوشته‌های خود از فردوسی و اثر او تمجید می‌کردند. برای نمونه، میرزاآقاخان کرمانی معتقد بود اگر شاهنامه نبود، پس از چیرگی اعراب بر ایران «لغت و جنسیت ملت ایران» از دست رفته بود (کرمانی، بی‌تا: ۱۴). آخوندزاده نیز فردوسی را هم‌ردیف بزرگانی چون هومر و شکسپیر می‌دانست (آخوندزاده، بی‌تا: ۳۵-۳۴ و ۲۶۴-۲۶۳). در نوشته‌های برخی مورخان این دوره هم می‌شود انگاره مشابهی را یافت. از جمله ناظم‌الاسلام کرمانی که فردوسی را تنها کسی می‌دانست که ادبای فرنگ او را می‌ستودند. وی معتقد بود که اشعار شاهنامه «حب ملیت و جنسیت و شهامت و شجاعت را تا یک درجه در طبایع مردم ایران القا می‌کند و در پاره‌ای جاها به اصلاح اخلاق نیز می‌کوشد» (کرمانی، ۱۳۵۷: ۲۲).

برای روایت روند شکل‌گیری انجمن آثار ملی و احداث آرامگاه، به محتوای منابع دیگری، مانند کتاب‌های منتشرشده از سوی انجمن آثار ملی، اسناد سازمان اسناد ملی ایران و قوانین تصویب‌شده در مجلس شورای ملی، رجوع خواهد شد.

## ۶- مبانی نظری

آغاز سده بیستم میلادی زمان تحولات مهم سیاسی اجتماعی در ایران بود که تأثیر چشمگیری بر آینده میراث فرهنگی، باستان‌شناسی، مرمت و معماری ایران گذاشت. نخستین تکانه مهم، انقلاب مشروطه بود که انگاره‌های جدیدی چون آگاهی از میراث فرهنگی و ترویج نگرش ملی به میراث تاریخی کشور را در وجهی عملی در کانون توجه قرار داد (Mousavi, ۲۰۰۵: ۴۴۸). از جمله میراث تاریخی کشور، مشاهیر فرهنگی و آثارشان بود که در این پژوهش کوشش می‌شود شکل‌گیری و تحول نگرشی که منجر به توجه نخبگان به چهره‌های یادشده و ساختن آرامگاه برای آن‌ها شد، در بستر گفتمانی ویژه‌اش بررسی شود.

در پژوهش حاضر، صرفاً ارائه یک گزارش توصیفی از روند ساخته شدن یک آرامگاه مدنظر نیست. بلکه، پیوند گفتمان فرهنگی رسمی با نگرش و کنش نخبگان سیاسی، و تجلی آن در ساخته شدن یک بنای یادبود، بررسی تحلیلی و نظری شده است. اگر یک اثر معماری از جنس آرامگاه فردوسی، بازتاب و تبلوری از گفتمان فرهنگی زمانه تلقی شود، آن گاه می‌شود این اثر معماری را به مثابه موضوع و متنی درنظر گرفت که واکاوی روند ساخته شدنش می‌تواند ما را به فهم نگرش و کنش نخبگان بانی آن رهنمون کند.

## ۷- مطالعات و بررسی‌ها

### ۷-۱ درآمدی بر اندیشه پادداشت مشاهیر فرهنگی

از میانه دوره قاجاریه به بعد، پادداشت گذشته تاریخی ایران و چهره‌های سرشناس فرهنگی به‌مثابه امری مهم در کانون توجه شماری از اندیشمندان قرار گرفت. این متفکران متأثر از عوامل گوناگون، از جمله تجربه حضور در خارج از مرزهای ایران، بر این موضوع دست نهادند که مردم ایران یا مشاهیر فرهنگی خود را نمی‌شناسند یا در صورت شناخت، چندان وقعی به آنان نمی‌گذارند.



## ۲-۷ نگرش و کنش نخبگان سیاسی درباره پادشاهت فردوسی

در ایران و در کنار اندیشمندان تجددگرایی که با طرح دیدگاه‌های خود زمینه را برای برآمدن دولت پهلوی فراهم کردند، طیفی از نخبگان سیاسی هم قرار داشتند. این طیف که به نام‌هایی چون «نخبگان ناسیونالیست»<sup>۱۰</sup> یا «دولت‌مردان روشنفکر»<sup>۱۱</sup> خوانده شده‌اند، عمدتاً پس از برآمدن دولت پهلوی، در پس پرده برنامه‌های نوسازی قرار گرفتند (کرونین، ۱۳۹۷: ۱۶ و بروجرودی، ۱۳۹۷: ۲۲۶-۲۲۷).

از میانه دوره قاجاریه به بعد، موضوع پادشاهت نام‌آوران فرهنگی، به‌ویژه ضرورت توجه به فردوسی، همسو با انگاره‌های دیگری در زمانه خود، مانند اهمیت زبان فارسی، و بایستگی تدریس علوم و فنون به زبان فارسی در مدرسه‌ها، و ترجمه کتاب‌های خارجی به فارسی که عمدتاً دغدغه متفکران بود (جبل‌المتین، س ۱۸ ش ۱۳: ۱۰ و س ۱۴ ش ۱۳: ۴-۳)، به‌مرور به سطح نخبگان سیاسی کشیده شد. نگاهی به نگرش شماری از نخبگان سیاسی نشان می‌دهد، آنان عمدتاً هوادار پادشاهت فردوسی و حتی از ستایش‌گران او بوده‌اند. در این میان، سیدحسن تقی‌زاده یکی از پیشگامان بود که در مجله کاوه پیوسته درباره فردوسی و شاهنامه می‌نوشت (کاوه، ۱۳۰۰) و در مجله آئینه از ضرورت الگوبرداری ایرانیان از غربی‌ها در زمینه نکوداشت مشاهیر فرهنگی سخن می‌گفت (آئینه، ۱۳۰۴: ۱۴۱)<sup>۱۲</sup>.

فروغی نیز در یادداشتی در مجله /ارمغان، ضمن انتقاد از اینکه «ملت ایران» نسبت به بزرگان نامی خود بی‌اعتناست، فراموش نکردن بزرگان تاریخی و زنده نگه‌داشتن نام و آثار آن‌ها را لازمه بیداری و وجود احساسات ملی دانست. او فردوسی، نظامی و سعدی را از جمله چهره‌هایی خواند که «ایران به نام و آثار آنان زنده است» و بدین ترتیب «تعمیر دخمه بزرگان سخن و اساتید باستان» را آرزو و راه سعادت خواند (ارمغان، ۱۳۰۴: ۲۳۳ و ۲۳۲). گرایش فروغی به گونه‌ای بود که بلوشر اذعان کرده است او هنگام سخن گفتن درباره فردوسی به وجد می‌آمد و شاهنامه را برتر از منظومه نیبلونگن<sup>۱۳</sup> و همچنین ایلیاد و اودیسه می‌دانست (بلوشر، بی‌تا: ۳۱۰). فروغی در متن کتاب درسی تاریخ، فردوسی

را شاخص‌ترین شاعر دوره سلطان محمود خواند و در یکی از سخنرانی‌های خود، او را بزرگ‌ترین شاعر ایران نامید. او از این نیز فراتر رفت و فردوسی را هم‌مقام با نام‌آورانی چون کوروش، داریوش، اردشیر بابکان و زرتشت به حساب آورد و اذعان کرد اگر فردوسی شاهنامه را به نظم درنیآورده بود، تاریخ ایران هم در دست نبود (فروغی، ۱۳۰۹: ۳۰-۲۹ و ۱۳۱۳: ۲۴-۱۸). فروغی وضعیت مزار متروک فردوسی را مایه تأسف و ننگ می‌دانست و از ضرورت برپایی آرامگاهی آبرومند برای او سخن می‌گفت (ارمغان، همان).

کیخسرو شاهرخ هم از دیگر چهره‌های سیاسی بود که فردوسی را می‌ستود. شاهرخ زمانی که از ساخت آرامگاه فردوسی در مجلس شورای ملی دفاع می‌کرد، فردوسی را احیاکننده تاریخ ایران و تاریخ ملیت ایران نامید (شاهرخ، ۱۳۸۲: ۱۸۳). هم‌چنین در مجلس شورای ملی، دستغیب فردوسی را «اسباب افتخار ایران» و «شایسته تقدیر و تقدیس» توصیف کرد و ابراز علاقه‌مندی به «افتخارات تاریخی خود» را لازم دانست (روزنامه کوشش، ۱۳۰۳، س ۳ ش ۲۷). عیسی صدیق نیز که از ابتدای طرح اندیشه ساخت آرامگاه در آن نقش داشت، فردوسی را بزرگ‌ترین شاعر ایران و شاهنامه را بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین شاهکار منظوم فارسی می‌دانست. او هدف فردوسی را «احیای افتخار ایران باستان و یافتن نامی جاویدان» و شاهنامه را احیاءکننده «تاریخ قدیم ایران» برای نسل‌های بعد می‌خواند (ایران‌آمریکا، ۱۳۲۵: ۱۳-۱). وقتی نخبگان سیاسی لب به ستایش از فردوسی گشوده بودند، جلب‌نظر رضاشاه به این موضوع ناگزیر می‌نمود.<sup>۱۵</sup> رضاشاه که برخی او را رییس افتخاری انجمن خوانده‌اند (نشریه انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵: ب: ۲۶)، در ۲۰ مهر ۱۳۱۳ و در سخنرانی افتتاح بنا، فردوسی را احیاکننده تاریخ و زبان ایران نامید که جایگاه او چنان بالاست که نیازی به برگزاری مراسم تجلیل ندارد (صفایی، ۱۳۵۵: ۶۳).

## ۲-۷-۱ کنش نخبگان سیاسی: برپایی

### انجمن آثار ملی

نخبگان سیاسی که فردوسی را بیش از همه احیاکننده تاریخ و زبان ایران می‌دانستند، به تدریج به دنبال راهی برای عینیت‌بخشی به نگرش خود برآمدند؛ اما این کار را



نمونه، انجمن در مقدمه نخستین کتابش با عنوان فهرست مختصری از آثار و ابنیه تاریخی ایران از اینکه ایرانی‌ها با «آثار موجوده تاریخ گذشته وطن خود» آشنایی ندارند، انتقاد کرد؛ درحالی‌که، در خارج از ایران به «تاریخ گذشته و آثار قدیمه ایران» اعتنا می‌شد (مقدمه، ۱۳۰۴: ۱). در همین فهرست بود که ارنست هرتسفلد در اقدامی تأمل‌برانگیز «محل قبر فردوسی (در نزدیکی دروازه رزان)» را آگاهانه در کنار سایر آثار و ابنیه تاریخی ایران جای داد (هرتسفلد، ۱۳۰۴)، تا توجه همگان را به مشاهیر فرهنگی ایران، اهمیت نکوداشت آن‌ها، و ضرورت ساخت آرامگاهی برای‌شان جلب کند.

موضوع ضرورت اعتنا به «تاریخ گذشته و آثار قدیمه ایران» که در نخستین کتاب انجمن آمده بود، در اساس‌نامه آن هم بازتاب یافت، جایی که انجمن «پرورش علاقه عامه به آثار قدیمه علمی و صنعتی ایران» را یکی از هدف‌های خود برشمرد (ساکما، شناسه سند ۲۱۰/۹۵۹۹) که طبعاً یکی از این آثار هم شاهنامه فردوسی بود. پاسداشت فردوسی و ضرورت برپایی آرامگاهی برای او، موضوع بحث نخستین جلسه‌های انجمن هم بود. طبق یک سند منتشرشده، بحث درباره جمع‌آوری کمک‌هزینه برای ساختن آرامگاه فردوسی در دستور جلسه انجمن در تیر ماه ۱۳۰۴ قرار داشته است (ساکما، شناسه سند ۲۱۰/۲۵۷۸). سند دیگری نشان می‌دهد که «ملاحظه شاهنامه کتابخانه سلطنتی به جهت تعیین طرح تمیر فردوسی» یکی از موضوع‌های طرح‌شده در نخستین جلسه‌های انجمن بوده است (ساکما، شناسه سند ۲۱۰/۱۷۵۶). هم‌چنین در جلسه‌ای در تیر ۱۳۰۵ گزارش سالیانه انجمن خوانده و درباره تعمیر مزار فردوسی و خیام و دیگر شاعران بحث شد و از ضرورت انجام تبلیغات و چاپ نشریات برای جلب نظر عمومی سخن به میان آمد (روزنامه کوشش، ۱۳۰۵، س ۳۳: ۱۰۴).

جدول ۲- بازتاب موضوع پاسداشت مشاهیر فرهنگی در جلسات و انتشارات انجمن آثار ملی (گردآوری نگارندگان)

محور	شرح
ضرورت	انتقاد از ناآشنایی ایرانیان با «آثار
جلب توجه مردم	موجوده تاریخ گذشته وطن خود»
به مشاهیر	(مقدمه، ۱۳۰۴: ۱).

نه در بدنه دولت و مجلس، بلکه با برپایی نهاد انجمن آثار ملی پی گرفتند که دست‌کم اسماً نهادی مستقل بود (ساکما، شناسه سند ۲۱۰/۹۵۹۹). در سال ۱۳۰۱ جمعی از نخبگان سیاسی گردهم آمدند و این انجمن را بنیان نهادند (صدیق، ۱۳۵۶: ۱). چندی بعد و از سال ۱۳۰۴ بود که انجمن فعالیت خود را آغاز کرد. شاهد این مدعا سندی است که نشان می‌دهد در تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۳۰۴ برای برگزاری جلسه هیئت مؤسسان انجمن دعوت‌نامه‌ای نگاشته شده است (ساکما، شناسه سند ۲۱۰/۲۵۷۸). هم‌چنین سند دیگری حاکی از آن است که تاریخ چاپ اساسنامه و نظام‌نامه انجمن به سال ۱۳۰۴ بازمی‌گردد (ساکما، شناسه سند ۲۱۰/۹۵۹۹).

تقی‌زاده، فروغی و کیخسرو شاهرخ که در بخش پیشین به دیدگاه آن‌ها در زمینه ضرورت پاسداشت چهره‌های سرشناس فرهنگی اشاره شد، از اعضای انجمن بودند (مصطفوی، ۱۳۳۴: ۳۹۴). از دیگر رجال سیاسی که به عضویت انجمن درآمدند، می‌شود به حسن مستوفی (مستوفی‌الممالک)، حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن اسفندیاری (محتشم‌السلطنه)، ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) و عبدالحسین تیمورتاش اشاره کرد (انجمن آثار ملی، ۱۳۳۰: ۳-۲ و صدیق، ۱۳۴۵: ۲۰۱). خارجیانی مانند ارنست هرتسفلد (باستان‌شناس آلمانی) و آندره گدار (معماری فرانسوی) نیز اعضای افتخاری غیرایرانی آن بودند. در میان افراد نام‌برده در انجمن، جایگاه فروغی و شاهرخ پررنگ‌تر بود که به ترتیب رئیس و خزانه‌دار آن بودند (شاهرخ، ۱۳۸۲: ۸۹).

گرچه برخی کوشیده‌اند که تلاش برای پاسداشت فردوسی را به شخص رضاشاه نسبت دهند (هنر و مردم، ۱۳۵۴) یا برخی دیگر مانند یحیی دولت‌آبادی فکر برگزاری جشن هزارمین زادروز فردوسی را به خود نسبت داده‌اند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۴۲۳)، اما واکاوی اسناد و مدارک مرتبط، انگاره دیگری را پیش می‌کشد. از قرار معلوم این انجمن آثار ملی بود که بیش و پیش از همه تلاش کرد تا به بزرگداشت مشاهیر فرهنگی، با برگزاری کنگره و احداث آرامگاه فردوسی، وجهی عینی ببخشد. شاهد این مدعا، بازتاب موضوع پاسداشت چهره‌های سرشناس فرهنگی، و به‌ویژه فردوسی، در نخستین مکتوباتی است که از انجمن برجای مانده است. برای

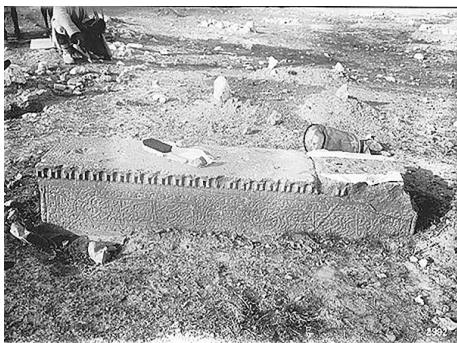




نگاره ۱: عکس ارنست هرتسفلد از بقایای مزار فردوسی در توس  
(مأخذ: (SOVA(1).



نگاره ۲: عکس ارنست هرتسفلد از بقایای مزار فردوسی در توس  
(مأخذ: (SOVA(2).



نگاره ۳: عکس ارنست هرتسفلد از سنگ‌قبر یافت‌شده در مجاورت مقبره هارونیه در توس (مأخذ: (SOVA(3).

موضوع یافتن مزار فردوسی و تعیین زمینی برای احداث آرامگاه، از نخستین نقش‌آفرینی‌های نخبگان سیاسی بود. کیخسرو شاهرخ در این راه پیشگام بود. او که ریاست ادارهٔ مباشرت مجلس شورای ملی را برعهده داشت، عملاً عهده‌دار ساخت آرامگاه و برگزاری کنگرهٔ فردوسی هم بود (سالنامهٔ پارس، ۱۳۰۷: ۳۴ و همان، ۱۳۱۴). شاهرخ در سال ۱۳۰۵ برای یافتن مزار فردوسی راهی طوس شد. او که با مطالعهٔ نوشته‌های تقی‌زاده از پیشینهٔ اشاره به مزار فردوسی در منابع تاریخی<sup>۷</sup> حدی آگاه بود، در باغ میرزا محمدعلی قائم‌مقام‌التولیه در طوس که گمان می‌رفت همان باغ فردوسی است، جست‌جو کرد و مزار را یافت (شاهرخ، ۱۳۵۵: ۱۶۲-۱۶۱). پس از

فرهنگی	«پرورش علاقهٔ عامه به آثار قدیمهٔ علمی و صنعتی ایران» یکی از هدف‌های انجمن (ساکما، شناسهٔ سند ۲۱۰/۹۵۹۹)
تأکید بر تأسیس آرامگاه برای شاعران ایران	قرار دادن «قبر فردوسی» در فهرست آثار و ابنیهٔ تاریخی ایران (هرتسفلد، ۱۳۰۴). بحث دربارهٔ جمع‌آوری کمک‌هزینه برای ساختن آرامگاه فردوسی در دستورجلسهٔ انجمن در تیر ۱۳۰۴ (ساکما، شناسهٔ سند ۲۱۰/۲۵۷۸). بحث دربارهٔ تعمیر مزار فردوسی و خیام و دیگر شاعران در تیر ۱۳۰۵ (روزنامهٔ کوشش، ۱۳۰۵، س ۳۳۱۰۴).

### ۷-۳ سهم انجمن در برپایی آرامگاه

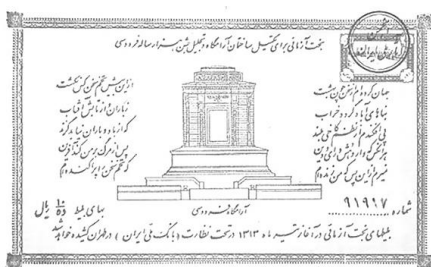
#### ۷-۳-۱ گام نخست: یافتن مزار فردوسی

براساس آنچه گفته شد، توجه به وضع نابسامان مقبرهٔ فردوسی و ساخت آرامگاهی برای وی، نخستین پروژهٔ مهم انجمن بود (نشریهٔ انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵ الف: ۹۰ و Sadiq, 1985). بر اساس نظر برخی از سیاحان دورهٔ قاجاریه، مزار فردوسی وضعیت مساعدی نداشت. برای نمونه، هانری رنه دالمانی، سیاح فرانسوی، در سال ۱۸۸۰م. (۱۲۵۹ش.) نشانی از آرامگاه فردوسی نیافته بود (دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۳۱). ویلیامز جکسون، شرق‌شناس آمریکایی، نیز از مردی سالخورده یاد می‌کرد که قبری را به او به‌عنوان مزار فردوسی نشان داده بود (Jackson, ۱۹۱۱: ۲۹۰-۲۹۲). دیگر اینکه ارنست هرتسفلد که از ۱۹۲۳م. (۱۳۰۲ش.) سفرش به ایران را آغاز کرد (بایگانی مجازی برخط اسمیت‌سونین) در توس عکس‌هایی برداشته است که «بقایای قبر فردوسی» نام دارند (نگارهٔ ۲). این دو عکس نشان می‌دهد که در آن زمان اثری از بنایی آرامگاهی برای فردوسی نبوده است. عکسی دیگر نیز مزار منصوب به فردوسی را در وضعیتی نابسامان نشان می‌دهد (نگارهٔ ۳).

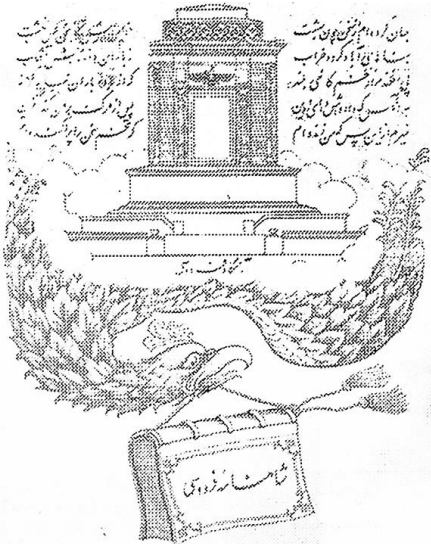


آرامگاه، از محل صرفه‌جویی بودجه مجلس، تصویب شد (گاهنامه، بی تا: ۸۵).

در ۱۳۱۲/نجمن دیگر بار در مضیقه مالی قرار گرفت و این بار تصمیم گرفته شد که منابع مالی از راه بخت‌آزمایی فراهم شود (نگاره ۴ و ۵). برای انجام این کار هیئتی به نام هیئت بخت‌آزمایی با عضویت چند تن از نخبگان سیاسی به ریاست حکیم‌الملک تشکیل شد.<sup>۱۹</sup> این هیئت فعالیت خود را پس از سخنرانی فروغی (در دارالمعلمین عالی در ۱۲ بهمن ۱۳۱۲) آغاز کرد (صدیق، ۱۳۴۵/۲: ۲۰۴) و چندی بعد در روزنامه اطلاعات ۲۳ بهمن ۱۳۱۲ مردم به تهیه بلیط‌های بخت‌آزمایی تشویق شدند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۲ب).



نگاره ۴: بلیط بخت‌آزمایی برای تکمیل آرامگاه فردوسی (مأخذ: کتابخانه دیجیتال آستان قدس رضوی)



نگاره ۵: صادر شده از طرف انجمن برای جمع‌آوری بودجه جهت تکمیل آرامگاه فردوسی در ۱۳۱۲ (مأخذ: Sadiq, 1985). انجمن در نهایت با تلاش اعضاء و نخبگان سیاسی موفق شد بودجه‌ای فراهم کند تا ساخت آرامگاه به پایان رسد و برای گشایش فراهم شود (صدیق، همان). در

آن، لازم بود زمینی برای احداث آرامگاه در نظر گرفته شود. برای این کار، کسانی مانند حاجی‌مراد محمدعلی قائم‌مقام‌التولیه بیست‌وسه هزار مترمربع<sup>۱۸</sup> و حاجی حسین‌آقاملک هفت هزار مترمربع از زمین‌های خود را در اختیار/نجمن گذاشتند (نشریه/نجمن آثار ملی، ۱۳۵۵/الف: ۹۰) و بدین ترتیب عرصه‌ای به مساحت سی هزار مترمربع برای احداث آرامگاه فراهم شد.

### ۷-۳-۲ تأمین منابع مالی

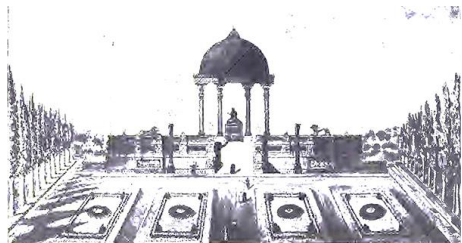
نحوه تهیه بودجه برای ساخت آرامگاه، از دیگر دغدغه‌های ابتدایی/نجمن بود. اعضا/نجمن که بعضاً نماینده مجلس شورای ملی یا وزیر کابینه بودند، در این راه نقش پررنگی ایفا کردند. از جمله تیمورتاش و فروغی که کوشیدند قانون‌هایی در مجلس برای تأمین منابع مالی تصویب شود. تیمورتاش که عضو/نجمن و نماینده مجلس بود، در مرداد ۱۳۰۳ پیشنهاد بازسازی مقبره فردوسی را به مجلس داد و خواستار تعیین بودجه‌ای برای آن شد (بهبودی، ۱۳۸۵: ۲۲۶). بدین ترتیب در اسفند ۱۳۰۳ لایحه تعمیر مقبره فردوسی در مجلس طرح و تصویب شد (مرکز پژوهش‌ها (۱)). فروغی نیز که از مرداد ۱۳۰۴ بر مسند وزارت مالیه بود (شجعی، ۱۳۸۳/۳: ۱۵۳) لایحه‌ای درباره تهیه تمبر فردوسی به کمیسیون بودجه مجلس ارائه داد که طبق آن فزونی درآمد فروش تمبر می‌بایستی برای تعمیر مقبره فردوسی خرج می‌شد (روزنامه کوشش، ۱۳۰۴، س ۳ش ۱۰۴). در بهمن ماه همان سال بود که مجلس به وزارت مالیه اجازه داد تا از درآمدهای خالص فروش تمبر یادشده، برای ساختن مقبره فردوسی، هزینه کند (مرکز پژوهش‌ها (۲)).

سندی از ۹ اسفند ۱۳۰۵ نشان می‌دهد که انجمن در پی کسب مبلغ پانزده هزار تومان از دولت و ثبت آن در بودجه سال ۱۳۰۶ بوده است (ساکما، شناسه سند ۲۱۰/۹۲۷۳). در مصوبه تیر ۱۳۰۶ مجلس شورای ملی، به اداره مباشرت مجلس اجازه داده شد تا از محل صرفه‌جویی در بودجه مجلس، مبلغ بیست هزار تومان برای آرامگاه فردوسی اختصاص یابد (مرکز پژوهش‌ها (۳)). منابع مالی در ۱۳۰۹ به پایان رسید (نشریه وحید، ۱۳۵۴: ۱۰۴۶) و در ۳ تیرماه همان سال بود که بار دیگر قانونی برای تخصیص مبلغ ده هزار تومان جهت تکمیل

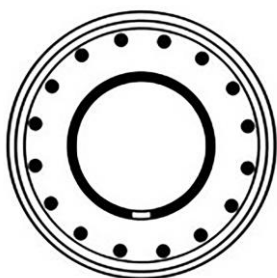




است که می‌شود ریشه‌های آن را در معماری یونان باستان پی گرفت (نگاره ۸).



نگاره ۷: نخستین طرح حسین طاهرزاده‌بهزاد برای آرامگاه فردوسی چاپ شده در ۱۳۰۴ (مأخذ: کاظم‌زاده‌ایران‌شهر، ۱۳۰۴: ۶۱۲).



نگاره ۸: شماتیک پلان یک تولوس در معماری یونان باستان (مأخذ: Khan Academy).

البته گرت‌بهرداری طاهرزاده از معماری کلاسیک تنها محدود به این طرح نبود. او در طرح‌های چاپ‌شده دیگری نیز آشکارا این گرایش خود را به نمایش می‌گذاشت (نگاره ۹).



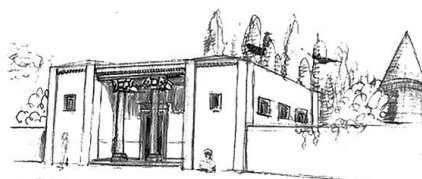
نگاره ۹: طراحی یک مدرسه به سبک نوکلاسیک از کریم طاهرزاده (مأخذ: طاهرزاده‌بهزاد، ۱۳۰۲).

به نظر می‌رسد که در ابتدا طرح هرتسفلد کنار گذاشته و بنا شد طرح طاهرزاده‌بهزاد ساخته شود. شاید ستایش‌هایی که در آن زمان از طرح طاهرزاده صورت می‌گرفت، در این تصمیم بی‌تأثیر نبوده است. برخی طرح طاهرزاده را نمایانگر «عظمت مقام بلند فردوسی» و «علو روح ملت ایران» می‌دانستند که «مزایای اسلوب معماری قبل و بعد از اسلام» را دارد و «روح جاویدان نژاد ایران» را به نمایش می‌گذارد (ایران‌شهر، ۱۳۰۴: ۶۱۱). در نگاره‌ای که منسوب به زمان پی‌کنی آرامگاه فردوسی است، طاهرزاده طرحی را در دست داشت که مشابه همان طرح چاپ‌شده بود (نگاره ۱۰).

نهایت، مجموع هزینه‌های انجام‌شده به حدود ۱ میلیون و ۴۲۰ هزار ریال رسید (سالنامه پارس، ۱۳۱۴).

### ۳-۳-۷ روند طراحی و ساخت بنا

به نظر می‌رسد که در ابتدا ارنست هرتسفلد و کریم طاهرزاده‌بهزاد طرح‌هایی برای آرامگاه فردوسی تهیه کرده‌اند. در بایگانی مجازی برخط اسمیت‌سونین<sup>۲۰</sup> تصویر ترسیمی وجود دارد که طرحی منسوب به هرتسفلد است و «طوس (ایران): پروژه آرامگاه برای بزرگداشت شاعر فردوسی» نام دارد. تاریخ ترسیم هم بازه ۱۳۰۲-۱۳۰۴ درج شده است (نگاره ۶). به نظر می‌رسد که این تصویر طرحی است که هرتسفلد برای آرامگاه فردوسی ارایه داده است. طرح یادشده باغی را نشان می‌داد که پیرامونش با دیوار محدود شده بود و ورودی‌اش از یک ستاوند با دو ستون تشکیل شده که ستون‌ها و سرستون‌هایی مشابه بناهای دوره هخامنشی داشت. طرح بنای آرامگاه نیز مشابه طرح برخی از آرامگاه‌های ایران در سده‌های میانه مانند گنبد قابوس بود: بنایی مدور با گنبدی رک. بدین ترتیب بود که هرتسفلد در این طرح تلفیقی از معماری ایران باستان و دوره اسلامی را به نمایش گذاشت.



نگاره ۶: طرح هرتسفلد برای آرامگاه فردوسی ۱۳۰۲-۱۳۰۴ (مأخذ: SOVA (4)).

طرح طاهرزاده در ۱۳۰۴ چاپ شد (نگاره ۷). از آنجا که طاهرزاده در استانبول و برلین تحصیل کرده بود (شافعی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۳) طبعاً با سبک‌های تاریخ معماری اروپا آشنایی داشت. موضوعی که خودش را در طرح نخست او برای آرامگاه نشان داد. شمایل بنای آرامگاه، یعنی فضایی مدور با آسمانه‌ای گنبدی‌مانند و هشت ستون سنگی پیرامونی (روزنامه اطلاعات، ۱۳۰۸) طرحی



ساخت بنا آغاز شد. اما شاهرخ که هزارچندی به خراسان می‌رفت، پیشرفتی در کار نمی‌دید. طرح پرخرج بود و سقف اهرامی آن ترک برداشت. بدین ترتیب شاهرخ دوباره عملیات را متوقف کرد، به تهران بازگشت و به *انجمن گزارش داد* (شاهرخ، ۱۳۵۵: ۱۷۱-۱۶۹ و شاهرخ، ۱۳۸۲: ۹۶-۹۷). با توقف این طرح، پیش‌بینی هرتسفلد دربارهٔ اینکه برپا کردن چنین هرمی خارج از حدود توانایی و امکانات مالی دولت ایران است (بلوشر، بی‌تا: ۳۱۲) درست از آب درآمد. دربارهٔ اینکه شاهرخ، ساخت طرح نخست طاهرزاده و طرح گذار را صرفاً به دلیل مشکلات اجرایی متوقف کرد یا دلیل‌های دیگری هم داشت، نمی‌توان نظر قطعی داد، اما آنچه مشخص است نقش پررنگ شاهرخ در تصمیم‌گیری برای توقف ساخت آن‌ها بود. گزارش *روزنامهٔ اطلاعات* در اردیبهشت ۱۳۱۲ حاکی از آن است که ساخت طرح گذار تا آن زمان ادامه داشته است (*روزنامهٔ اطلاعات*، ۱۳۱۲ الف) و احتمالاً در همان سال بود که ساخت این طرح متوقف شد (نگارهٔ ۱۱).



نگارهٔ ۱۱: آرامگاه فردوسی ساخته‌شده بر اساس طرح آندره گذار (مأخذ: Archnet).

پس از آنکه ساخت طرح نخست طاهرزاده و طرح گذار به سرانجام نرسید، طراحی بنا دوباره به طاهرزاده ارجاع داده شد. طاهرزاده طرح جدیدی تهیه کرد که به تصویب *انجمن رسید* (نگارهٔ ۱۲). ساخت آرامگاه بر اساس این طرح از سرگرفته شد. شاهرخ این بار کسانی مانند حسین لرزاده و تقی درودیان را برای سرپرستی فعالیت‌ها به خراسان فرستاد و بالأخره این طرح را به سرانجام رساند (شاهرخ، ۱۳۵۵: ۱۷۱).



نگارهٔ ۱۰: طاهرزادهٔ بهزاد در مراسم پی‌کنی آرامگاه فردوسی تصویری از طرح نخست خود را در دست دارد (مأخذ: آرشیو فیروز بهزاد، درج‌شده در شافعی و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۲).

عملیات ساختمانی آغاز شد، اما تا ۱۳۰۸ جز پایه‌های سردر باغ چیز دیگری ساخته نشد (*روزنامهٔ اطلاعات*، ۱۳۰۸). شاهرخ هم که به هنگام بازدید از بنا به مشکلات اجرایی آن پی برده بود، به *انجمن پیشنهاد کرد* که طرح طاهرزاده کنار گذاشته و طرح دیگری تهیه شود (شاهرخ، ۱۳۵۵: ۱۶۶ و شاهرخ، ۱۳۸۲: ۹۴-۹۲). توقفی که باعث شد طاهرزاده در نامه‌ای به تیمورتاش از ناتمام ماندن ساخت طرحش شکوه کند (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

*انجمن* پس از به ثمر نرسیدن طرح طاهرزاده، از آندره گذار (یکی از اعضای افتخاری‌اش) خواست طرحی جدید ارائه کند. گذار که طبق موافقت‌نامه ۲۵ مهر ۱۳۰۶ برای مدیریت باستان‌شناسی ایران استخدام شده و از آغاز سال ۱۳۰۸ شروع به کار کرده بود (مصطفوی، ۱۳۳۴: ۴۰۲)، طرح‌های لازم را تهیه کرد. چنانچه پیشتر گفته شد، ستایش نشریه‌های وقت از طرح نخست طاهرزاده، در تصویب آن بی‌تأثیر نبود، اما به نظر می‌رسد که این‌بار تیمورتاش بیش از بقیه مشتاق طرح گذار بود. شاهد ادعا آنکه در مذاکرات ابتدایی دربارهٔ طرح بنا، تیمورتاش از طرح بنایی هرمی شکل از آن نوع که در مصر است، حمایت کرده بود و تنها چنین طرحی را شایستهٔ تجلیل از مقام «بزرگترین شاعر ایران» می‌دانست (بلوشر، بی‌تا: ۳۱۲). تیمورتاش تغییراتی در طرح گذار ایجاد کرد و آن را به تصویب *انجمن رساند* (شاهرخ، ۱۳۸۲: ۹۴) و طبق سندی از تیر ۱۳۰۸ نقشهٔ آن را برای نایب‌التولیه آستان قدس رضوی فرستاد و از وی خواست که با رعایت صرفه‌جویی، مخارج ساخت بنا را تهیه و ارسال کند (محمدزاده و خندان، ۱۳۹۵: ۶۱-۶۰).

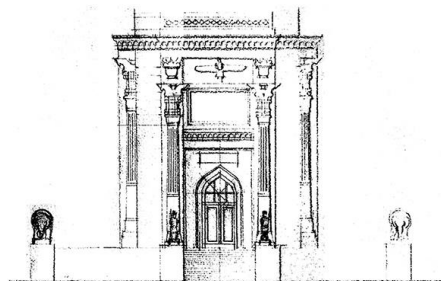


## ۷-۳-۴ ویژگی‌های بنا

ویژگی‌های معماری طرح نهایی آرامگاه را نمی‌شود خارج از چارچوب سبک‌های رایج زمانه خود تحلیل کرد. در دوره پهلوی اول و به‌ویژه در دهه ۱۳۱۰ بود که جزئیاتی از بناهای باستانی (پیشاسلامی) در شماری از ساختمان‌های دولتی جدید رخ نمود (Wilber, ۱۹۸۶). در این بناها به‌طور مشخص از جلوه‌های بصری پیشاسلامی، به‌ویژه یافته‌های باستان‌شناسی تازه کشف‌شده در تخت جمشید و شوش، بهره گرفته می‌شد (Marefat, 1988: 97). این جلوه‌های بصری چه در طراحی فرم کلی بنا و چه در طراحی عناصر و تزیینات معماری بازتاب داشت که به وضوح در طرح نهایی آرامگاه فردوسی هم به‌کار رفت. در روایتی آمده است که فروغی خطاب به لرزاده که در فرایند ساخت طرح نهایی طاهرزاده نقش داشت، از ساخت اهرام (طرح گدار) انتقاد کرده و از ضرورت «ایده ایرانی» در طراحی آرامگاه سخن گفته بود (مفید، ۱۳۷۰: شفاهی؛ بازگویی از کیانی، ۱۳۹۳: ۸۷). در واقع همین ایده ایرانی بود که به بازتاب جلوه‌های معماری دوره پیشاسلامی در معماری بنای آرامگاه فردوسی انجامید (نگاره ۱۴).

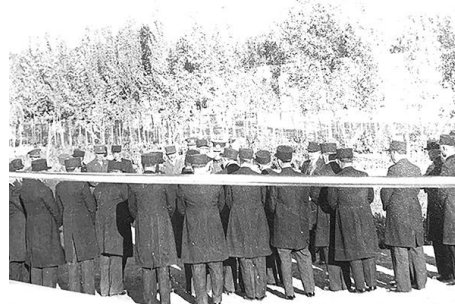
ابعاد آرامگاه ۱۶\*۱۶ متر بود، ۱۸ متر ارتفاع داشت و برای ساخت آن از سنگ‌های صیقلی معدن خلج استفاده شده بود (مکی، ۱۳۶۲: ۱۷۴). شمایل آن یادآور بناهای تخت‌جمشید و مقبره کوروش در پاسارگاد، به‌عنوان نمونه‌هایی از معماری پیشاسلامی ایران، بود (کیانی، ۱۳۹۳: ۸۷-۸۸). سازندگان بنا معتقد بودند که کوروش به‌وجودآورنده امپراتوری ایران بوده است و درصد بودند تا فردوسی را عامل بقا و تجدیدکننده حیات ملیت ایرانی و وحدت ملی ایران معرفی کنند (بیگدلو، ۱۳۸۰: ۲۶۵) و به‌همین دلیل، برای فردوسی چنان آرامگاهی ساختند که گویی پادشاهی هخامنشی یا موبدی زرتشتی است (ضیابراهیمی، ۱۳۹۶: ۲۸۲).

افزون بر فرم کلی، عناصر و تزیینات معماری‌ها هم ارجاع‌دهنده به معماری ایران پیشاسلامی بود (نگاره ۱۵). از جمله عناصر معماری می‌توان به چهار ستون بلند با سرستون‌های دوتایی کله‌گاوی در کنج‌های بیرونی بنا اشاره کرد. هم‌چنین هر جداره با دو ستون (مشابه ستون‌های کنج ولی کوتاه‌تر از آن‌ها) تزیین شده بود که



نگاره ۱۲: طرح دوم طاهرزاده به‌زاد برای آرامگاه فردوسی (درج‌شده در شفاهی و دیگران، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۰).

کنگره هزاره فردوسی ۱۲ مهر ۱۳۱۳ در تهران در دبیرستان دارالفنون افتتاح شد (گاهنامه، بی‌تا: ۱۲۲). بنا به گزارش‌ها حدود هشتاد نفر در کنگره فردوسی حاضر بودند که حدود نیمی از آنان خارجیانی بودند که از کشورهای دیگر به این کنگره دعوت شده بودند. در نخستین جلسه کنگره، حسن اسفندیاری (نماینده مجلس و عضو انجمن آثار ملی) به‌عنوان رییس کنگره انتخاب شد. در چند روزی که کنگره برگزار شد دعوت‌شدگان سخنرانی کردند که سیدحسن تقی‌زاده، محمدعلی فروغی و علی‌اصغر حکمت که پیش از این پیرامون دیدگاه‌هایشان درباره فردوسی بحث شد، از جمله سخنرانان ایرانی بودند (نشریه مهر، ۱۳۱۳: ۶۹۵-۶۹۴). اینان گویی باری دیگر فرصتی مغتنم برای سخن گفتن درباره فردوسی یافته بودند. پس از پایان کنگره فردوسی، شرکت‌کنندگان راهی طوس شدند و آرامگاه فردوسی در ۲۰ مهرماه با حضور رضاشاه، شماری از رجال سیاسی، و اندیشمندان ایرانی و خارجی شرکت‌کننده در کنگره افتتاح شد (نگاره ۱۳).



نگاره ۱۳: رضاشاه و شماری از نمایندگان مجلس در طوس در روز گشایش آرامگاه در سال ۱۳۱۳ (مأخذ: The Nelson Collection) (2).



ناظر بر تعیین‌بخشی به نگرش ضرورت پاسداشت مشاهیر فرهنگی بود.

در سطح نخست، نخبگان سیاسی با طرح اهمیت جایگاه فردوسی در تاریخ ایران کوشیدند این چهره فرهنگی را بیش از پیش در کانون توجه قرار دهند و در سطح دوم، گامی فراتر از سطح نگرش گذاشته و کوشیدند با اقداماتی جهت تعیین‌بخشی به مقوله اهمیت فردوسی در فرهنگ ایران بپردازند. اقداماتی که بیانگر کنش آن‌ها در این زمینه بود. بروز بیرونی چنین کنش‌هایی، تلاش برای پیگیری ساخت آرامگاه از رهگذر دهلیزهایی بود که موقعیت سیاسی نخبگان سیاسی (مانند عضویت در کابینه دولت یا نمایندگی مجلس شورای ملی) در اختیارشان می‌گذاشت. بنابراین، با تکیه بر این موقعیت بود که آن‌ها از سطح نخست به سطح دوم گام نهادند.

#### ۹- نتیجه تحقیق

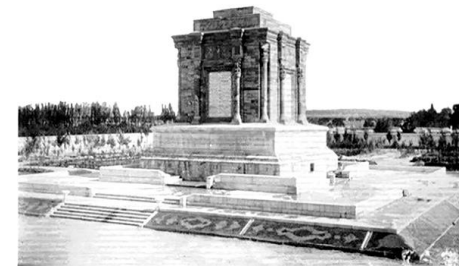
بررسی دیدگاه نخبگان سیاسی درباره پاسداشت فردوسی، کنش آنان در تأسیس *انجمن آثار ملی* و نقش آفرینی‌شان در برپایی آرامگاهی برای فردوسی، ضمن تشریح روند طراحی و ساخت بنا و بررسی ویژگی‌های معمارانه آن، موضوع پژوهش حاضر بود. بدین‌سان کوشش شد تا موضوع پژوهش با تکیه بر متونی چون نوشته‌ها، گفته‌ها و خاطره‌های نخبگان سیاسی و نیز اسناد *سازمان ملی ایران/ ایران بررسی* شود. از میانه دوره قاجاریه به بعد، دغدغه توجه به ارکان هویت ملی و ضرورت تکوین آن، اندیشمندان را واداشت تا با تمرکز بر ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن ایرانی، و دستاوردهای نام‌آوران فرهنگی، به طرح موضوع بپردازند. این امر به تدریج به سطح نخبگان سیاسی راه یافت و در این میان، اندیشه ضرورت بزرگداشت فردوسی هم شکل گرفت. سهم نخبگان سیاسی را می‌شود در دو محور اصلی بررسی کرد:

نخست، نگرش آن‌ها مبنی بر ضرورت پاسداشت فردوسی و دوم اقدامات عملی آنان برای تعیین‌بخشیدن به این نگرش. در محور نخست، نخبگان سیاسی دیدگاه عموماً ستایش‌گرانه خود درباره فردوسی را در قالب‌های مختلفی (مانند یادداشت در روزنامه‌ها و مجله‌ها، و سخنرانی‌ها) ابراز می‌کردند.

با سنگ‌های افقی بیرون‌زده به هم پیوسته بودند تا درگاه‌هایی نمادین را شکل دهند (Shahbazi, ۱۹۹۹). از جمله تزیینات معمارانه هم نقش برجسته اهورامزدا (پروردگار زرتشتیان) بود که در میانه نمای جلویی بنا جای داشت و رونوشتی مستقیم از کاخ صدستون به حساب می‌آمد (Grigor, 2004: 37-۳۸).



نگاره ۱۴: آرامگاه فردوسی در روز افتتاح در ۱۳۱۳ ساخته‌شده براساس طرح دوم طاهرزاده بهزاد (مأخذ The Nelson Collection (2)).



نگاره ۱۵: دوررنمایی از آرامگاه فردوسی احتمالاً در دهه ۳۰ (مأخذ: ساکما، شماره مدرک ۲۵-۲۵۱۸۳).

#### ۸- یافته‌های تحقیق

حاصل واکاوی منابع مرتبط با مسئله پژوهش، بیانگر سهم نخبگان سیاسی در طرح اهمیت جایگاه فردوسی و تأسیس آرامگاه این چهره ادبی است که در دو سطح به آن پرداخته شد. سطح نخست، مقوله نگرش بود که در آن، از طرح اهمیت جایگاه بی‌بدیل فردوسی در تاریخ فرهنگ و ادب ایران، از سوی نخبگان سیاسی، سخن به میان آمد. در سطح دوم، به مقوله کنش پرداخته شد که



هم حمدالله مستوفی را نخستین شاهنامه‌شناس ایرانی خوانده است (ریاحی، ۱۳۸۲: ۲۶۲). برای آگاهی بیشتر درباره شاهنامه‌پژوهی تقی‌زاده بنگرید به:

Marashi. A. (2009). *The Nation's Poet: Ferdowsi and the Iranian National Imagination*. In T. Atabaki (Ed.). *Iran in the 20th Century*. London and New York: I.B.Tauris.

<sup>۱۳</sup>- Niblungenlied

<sup>۱۴</sup>- هم‌چنین فروغی (۱۳۸۹: ۳۹) در سخنرانی خود در افتتاحیه کنگره فردوسی در سال ۱۳۱۳ اعلام داشت که فردوسی اگرچه جسماً ایرانی است، اما روحاً فرزند انسانیت است و فردوسی را یکی از پدران انسانیت خواند.

<sup>۱۵</sup>- برای توضیحات بیشتر درباره علاقه رضاشاه به فردوسی و شاهنامه بنگرید به: مکی، حسین. (۱۳۶۲). تاریخ بیست‌ساله ایران (جلد ۶). تهران: نشر ناشر. صفحه ۱۸۰-۱۷۵.

<sup>۱۶</sup>- برخی بر این باورند که برپایی نهادهایی مستقل از دولت و مجلس، تا حدودی بازتاب فعالیت‌نداشتن احزاب سیاسی بود (آوری، بی‌تا: ۴۰). به عبارت دیگر، نخبگان سیاسی با برپایی چنین نهادهایی سعی داشتند تا به دیدگاه‌های خود، در خارج از بدنه اصلی قدرت، جامعه عمل ببوشانند.

<sup>۱۷</sup>- پیشینه اشاره به وجود مزاری مشخص مشخص برای فردوسی را می‌شود در منابع ادبی و تاریخی سده ششم و نهم هجری پی گرفت (نظامی‌سمرقندی، بی‌تا: ۸۱ و دولت‌شاه‌سمرقندی، ۱۳۸۲: ۵۴). برای توضیحات بیشتر در این باره بنگرید به: تقی‌زاده، سیدحسن. (۱۳۰۰). "مشاهیر شعرای ایران: فردوسی". کاه، سال ۲ (دوره جدید)، شماره ۱۲.

<sup>۱۸</sup>- شاهرخ در این باره در خاطراتش چنین گفته است: «برای مکان آرامگاه آقای قائم‌مقام‌التولیه صاحب باغ بیست هزار متر تقدیم اعلی‌حضرت و قباله به نام اعلی‌حضرت نموده بودند و اعلی‌حضرت حاشیه آن را به نام انجمن آثار ملی برای آرامگاه فردوسی منتقل فرموده‌اند» (شاهرخ، ۱۳۵۵: ۱۷۰).

<sup>۱۹</sup>- حسین علاء، کیخسرو شاهرخ، عبدالحسین نیک‌پور، مصطفی فاتح و عیسی صدیق از اعضای این هیئت بودند (صدیق، ۱۳۴۴: ۹).

<sup>۲۰</sup>- Smithsonian Online Virtual Archives (SOVA)

<sup>۲۱</sup>- در یونان باستان بناهایی مدور با سقف‌هایی مخروطی یا طاقی‌شکل با ردیف‌ستون‌های پیرامونی وجود داشت که تولوس خوانده می‌شد (نگاه کنید به: دانشنامه بریتانیکا، مدخل (tholos).

در محور دوم، نخبگان سیاسی با تکیه بر جایگاه سیاسی‌شان و نیز به پشتوانه دولت پهلوی، به این حد قانع نماندند. برآیند کنش‌گری نخبگان سیاسی، ایجاد نهاد/انجمن آثار ملی بود، که از نخستین اقدامات آن، آغاز روند پاسداشت، طراحی و برپایی آرامگاه فردوسی بود. در این راه، نخستین دغدغه یافتن مزار فردوسی بود که کیخسرو شاهرخ در آن نقش پررنگی ایفا کرد. دومین موضوع، چگونگی تأمین منابع مالی بود. نخبگان سیاسی کوشیدند که با نفوذ خود در دولت و مجلس، و هم‌چنین از راه بخت‌آزمایی، بودجه‌ای فراهم کنند. هم‌زمان طراحی بنا آغاز شد و پس از رد یا ناکامی سه طرح نخستین، طرح نهایی طاهرزاده بهزاد به سرانجام رسید. سهم رجالی مانند کیخسرو شاهرخ در توقف طرح نخست طاهرزاده، عبدالحسین تیمورتاش در تصویب طرح گذار و محمدعلی فروغی در صحنه گذاشتن بر طرح دوم طاهرزاده عیان بود.

ویژگی‌های کالبدی بنای ساخته‌شده بیانگر آن بود که همچون فردوسی که از نگاه متفکران و نخبگان سیاسی، احیاگر زبان فارسی و هویت ایرانی قلمداد می‌شد، معماری آرامگاه او نیز هم همسو با سبک‌های احیاگرانه زمانه خود بود و حکایت از احیای معماری ایران باستان داشت.

## ۱۰- تشکر و قدردانی

موردی از طرف نویسندگان اعلام نشده است.

## ۱۱- پی‌نوشت‌ها

<sup>۱</sup>- antique purity

<sup>۲</sup>- monarchical longevity

<sup>۳</sup>- national rebirth

<sup>۴</sup>- refashioning

<sup>۵</sup>- rejuvenating

<sup>۶</sup>- nation and memory

<sup>۷</sup>- The Millennial Celebration of Ferdowsi

<sup>۸</sup>- historical context

<sup>۹</sup>- historical heritage

<sup>۱۰</sup>- nationalist elite

<sup>۱۱</sup>- intellectual statesmen

<sup>۱۲</sup>- ایرج فشار تقی‌زاده را نخستین ایرانی خوانده که به فردوسی‌پژوهی اقدام کرده و با نگارش مقاله‌هایی فردوسی را از نظر اهمیت تاریخی و مقام ملی به جامعه ایرانی شناسانده است (افشار، ۱۳۴۷: ۸). جالب اینجاست که محمدامین ریاحی



- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/840110>
- انجمن آثار ملی. ۱۳۳۰. آرامگاه شیخ اجل استاد سخن سعدی شیرازی. تهران: انجمن آثار ملی.
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/867104>
- بحرالعلوم، حسین. ۱۳۵۵. کارنامه انجمن آثار ملی. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/882950>
- بروجرودی، مهرزاد. ۱۳۹۷. پیروزی‌ها و رنج‌های نوسازی مستندانه در ایران. در: استفانی کرونین (گردآورنده). رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات جامی.
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/5453054>
- بلوش، ویرت. بی‌تا. سفرنامه بلوش. تهران: انتشارات خوارزمی.
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/521337>
- بهبودی، هدایت‌الله. ۱۳۸۵. روزشمار تاریخ معاصر ایران (جلد ۴). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/5768883>
- بیگلرلو، رضا. ۱۳۸۰. باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران. تهران: نشر مرکز.
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/639815>
- خادم‌زاده، محمدحسن، توران طولابی، و معین کارگری. ۱۳۹۹. نقش اندیشه‌وران و نخبگان سیاسی در شکل‌گیری انجمن آثار ملی. نقش جهان مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی. (۱) ۱۰-۴۳-۵۳.
- [https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-۳۷۷۶۸-۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰](https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-۳۷۷۶۸-۰۰۰۰۰۰۰۰)
- ریاحی، محمدامین. ۱۳۸۰. فردوسی. تهران: طرح نو.
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/656254>
- ۱۳۸۲. سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/699378>

- ۲۲- البته طاهرزاده در طرح‌های بعدی‌اش، مانند طرح نهایی آرامگاه فردوسی که در همین مقاله بررسی می‌شود و طرح بیمارستان شاهرضا در مشهد، بیش از الگوپردازی از معماری کلاسیک به گرده‌برداری از معماری گذشته ایران، به ویژه معماری ایران باستان، روی آورد.
- ۲۳- تاریخ سند یادشده ۲۷ تیر ۱۳۰۸ است و بنابراین به نظر می‌رسد که ساخت طرح نخست طاهرزاده تا آن زمان متوقف شده باشد.
- ۲۴- شاهرخ در خاطراتش بر این موضوع صحه گذاشته است (شاهرخ، ۱۳۵۵: ۱۶۶).
- ۲۵- این سند عیناً در مقاله‌ای با این مشخصات درج شده است: محمدزاده، فاطمه. و خندان، فاطمه. ۱۳۹۵. پشت پرده ساخت بنای آرامگاه فردوسی. پاز، (۲۳-۲۴): ۵.
- ۲۶- Architectural elements
- ۲۷- Architectural Ornamentation

## ۱۲- منابع فارسی و لاتین

### منابع فارسی

#### کتاب‌ها و مقاله‌ها

- آبراهامیان، یرواند. ۱۳۹۷. تاریخ ایران مدرن. ترجمه محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1916532>
- آخوندزاده، میرزا فتحعلی. بی‌تا. مکتوبات. بی‌جا. مکتوبات.
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/551081>
- آوری، پیترو. بی‌تا. تاریخ معاصر ایران: از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه (جلد ۲). ترجمه محمد رفیعی‌مهرآبادی. تهران: انتشارات عطایی.
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/890795>
- اسماعیلی، علیرضا. ۱۳۸۵. معماری دوره پهلوی به روایت اسناد (آرامگاه فردوسی). گلستان هنر. ۳. ۱۱۰-۹۹.
- <http://noo.rs/p6OqX>
- افسر، کرامت‌الله. و سیداحمد موسوی. ۱۳۵۵. پاسداری از آثار باستان در عصر پهلوی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/894185>
- افشار، ایرج. ۱۳۴۷. کتاب‌شناسی فردوسی. تهران: انجمن آثار ملی.





- دالمانی، هانری رنه. ۱۳۳۵. سفرنامه از خراسان تا بختیاری (جلد ۳). ترجمه فرهوشی مترجم‌همایون. تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1747477>
- دولت‌آبادی، یحیی. ۱۳۶۲. حیات یحیی (جلد ۴). تهران: انتشارات فردوسی و عطار.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/551722>
- دولت‌شاه سمرقندی. ۱۳۸۲. تذکره‌الشعرا. به‌اهتمام و تصحیح ادوارن براون. تهران: انتشارات اساطیر.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/891653>
- شافعی، بیژن، سهراب سروشیانی، و ویکتور دانیل. ۱۳۸۴. معماری کریم طاهرزاده بهزاد. تهران: انتشارات دید.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/752922>
- شاهرخ، کیخسرو. ۱۳۵۵. یادداشت‌های کیخسرو شاهرخ. تهران: چاپ پرچم.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/885754>
- ۱۳۸۲. خاطرات ارباب کی‌خسرو شاهرخ. به‌کوشش شاهرخ شاهرخ و راشنا رایینر. ترجمه غلام‌حسین میرزاصالح. تهران: انتشارات مازیار.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/678015>
- شجعی، زهرا. (۱۳۸۳). نخبگان سیاسی ایران: از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی (جلد سوم). تهران: انتشارات سخن.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/502478>
- صفایی، ابراهیم. ۱۳۵۵. بنیادهای ملی در شهریار رضاشاه کبیر. تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر. لینک.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/5453054>
- صدیق، عیسی. ۲/۱۳۴۵. یادگار عمر (جلد ۲). تهران: انتشارات امیرکبیر.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/2424161>
- ۱۳۵۶. سناتور دکتر عیسی صدیق نایب‌رئیس هیئت‌مؤسسين انجمن آثار ملی. در: یادنامه شادروان سپهبد فرج‌الله آق‌اولی. تهران: انجمن آثار ملی.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/885653>
- ضیاء‌ابراهیمی، رضا. ۱۳۹۶. پیدایش ناسیونالیسم ایرانی: نژاد و سیاست بی‌جاسازی. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/4891331>
- طاهرزاده بهزاد، کریم. ۱۳۰۲. سرآمدان هنر. برلین: چاپخانه ایران‌شهر.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/862329>
- فروغی، محمدعلی. ۱۳۰۹. تاریخ مختصر ایران: مقدماتی مخصوص سال سوم و چهارم مدارس ابتدایی. تهران: شرکت مطبوعات.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/781937>
- کفرانس حضرت اشرف آقای میرزا محمدعلی‌خان فروغی. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3459542>
- ۱۳۸۹. نطق افتتاحیه جناب آقای فروغی. در: هزاره فردوسی: مجموعه مقالات. به‌اهتمام محمدعلی منصوری. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک‌گیل.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1994946>
- کرمانی، میرزاآقاخان. بی‌تا. آیینة سکندری (تاریخ ایران) (جلد ۱). بی‌جا.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/6916348>
- کرمانی، ناظم‌الاسلام. ۱۳۵۷. تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه و بخش اول). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3731650>
- کرونین، اسفانی. ۱۳۹۷. دیپاچه. در: رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین. استفانی کرونین (گردآورنده). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات جامی.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/5453054>
- کیانی، مصطفی. ۱۳۹۳. معماری دوره پهلوی اول. تهران: موسسه مطالعات تاریخ ایران معاصر.  
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/730488>
- گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی (۱). بی‌تا. تهران: سازمان چاپ و انتشارات سهیل.



- روزنامه اطلاعات. ۲۷ تیر ۱۳۰۸. مقبره فردوسی. سال ۴. شماره ۸۱۴
  - روزنامه اطلاعات. ۱۳۱۲ الف. ساختمان مقبره فردوسی. سال ۷. شماره ۱۸۹۲.
  - روزنامه اطلاعات. ۱۳۱۲ ب. انتظار جشن فردوسی. سال هشتم، شماره ۲۱۲۰.
  - روزنامه کوشش. ۱۳۰۳. تعمیر مقبره فردوسی. ۱۰ شعبان ۱۳۴۳ / ۱۵ اسفند ۱۳۰۳. سال ۳، شماره ۲۷.
  - روزنامه کوشش. ۱۳۰۴. برای تعمیر مقبره فردوسی. ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۴۴ / ۴ ابان ۱۳۰۴. سال ۳ شماره ۱۰۴.
  - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). دعوت‌نامه شرکت در جلسه انجمن آثار ملی. شناسه سند ۲۵۷۸/۲۱۰.
  - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). اساسنامه و نظامنامه انجمن آثار ملی. شناسه سند ۹۵۹۹/۲۱۰.
  - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). برگزاری جلسه مؤسسه انجمن آثار ملی. شناسه سند ۱۷۵۶/۲۱۰.
  - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). قبوض تجارت‌خانه جهانیان مقیم تهران و انجمن آثار ملی. شناسه سند: ۹۲۷۳/۲۱۰.
  - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). [آرامگاه فردوسی] شماره مدرک: ۲۵-۲۵۱۸۳.
  - سالنامه پارس. ۱۳۰۷. تشکیلات اداری مؤسسات ملی و دولتی مملکت. ۳۳-۳۴.
  - سالنامه پارس. ۱۳۱۴. جشن هزارمین سال تولد فردوسی. ۱۰.
  - نشریه آینده. ۱۳۰۴. «چند کلمه درباره فردوسی». سال ۱ شماره ۲.
  - نشریه ارمغان. ۱۳۰۴. دخمه فردوسی: استمداد برای بنای آن. ۳ و ۴.
  - نشریه انجمن آثار ملی. ۱۳۵۵ الف. خدمات انجمن آثار ملی در ایجاد آرامگاه‌ها و تعمیرات ابنیه و آثار تاریخی. شماره ۱.
  - گزارش کنگره هزاره فردوسی: مجموعه مقالات و خطابه‌ها. بی‌تا. بی‌جا.
  - مرسلوند، حسن. ۱۳۷۶/۱. زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران (جلد ۱). تهران: الهام.
  - مصطفوی، محمدتقی. ۱۳۳۴. تلاش در راه خدمت به آثار ملی و امید به آینده. در: گزارش‌های باستان‌شناسی (جلد ۳). تهران: اداره کل باستان‌شناسی.
  - مقدمه. ۱۳۰۴. در: فهرست مختصری از آثار و ابنیه تاریخی ایران. تهران: انجمن آثار ملی.
  - مکی، حسین. ۱۳۶۲. تاریخ بیست ساله ایران (جلد ۶). تهران: نشر ناشر.
  - ملایی‌توانی، علیرضا. ۱۳۹۷. درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ. تهران: نشر نی.
  - نظامی سمرقندی، احمدبن‌عمر بن‌علی. بی‌تا. چهار مقاله. به تصحیح و اهتمام محمد قزوینی و با کوشش محمد معین. تهران: انتشارات ارمغان.
  - هرتسفلد، ارنست. ۱۳۰۴. فهرست مختصری از آثار و ابنیه تاریخی ایران. تهران: انجمن آثار ملی.
  - یاحقی، محمدجعفر، و زهرا سیدیزدی. ۱۳۸۶. فروغی و فردوسی. پژوهش‌های ادب عرفانی. ۲. ۴۷-۶۶.
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/896548>
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/875810>
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/535931>
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/535931>
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/878922>
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/494599>
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1016226>
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/890873>
- <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/878922>
- <http://noo.rs/riAeJ>

#### • نشریه‌ها و سندها

- حبل‌المتین. سال ۱۴ ش ۱۳. ۳-۴.
- حبل‌المتین. سال ۱۸ ش ۱۳. ۱۰.





- Omar Khayyam. New York: The MacMillan Company.
- Marashi, A. 2009. The Nation's Poet: Ferdowsi and the Iranian National Imagination. In: Iran in the 20th Century. Edited by T. Atabaki. London and New York: I.B.Tauris.  
<http://www.worldcat.org/oclc/1178959786>
  - Marefat, M. (1988). Building to Power: Architecture of Tehran 1921-1941. Unpublished doctoral dissertation. Massachusetts Institute of Technology, US.  
<https://dspace.mit.edu/handle/1721.1/14535>
  - Mousavi, A. 2005. Ernst Herzfeld, Politics, and Antiquities Legislation in Iran. In: Ernst Herzfeld and the Development of Near Eastern Studies. Edited by A. C. Gunter & S. R. Hauser. Leiden & Boston: Brill.  
<http://www.worldcat.org/oclc/845719887>
  - Sadiq, I. 1985. ANJOMAN-E ĀTĀR-E MELLĪ. Encyclopædia Iranica.  
<https://iranicaonline.org/articles/anjoman-e-aar-e-melli-aam-the-national-monuments-council-of-iran-established-in-1301-s>
  - Schensul, J. J. 2008. Historical Context. In: The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods. Edited by L. M. Given. USA: SAGE publications.  
<http://www.worldcat.org/oclc/755061891>
  - Shahbazi, A. Sh. 1999. FERDOWSI, ABU'L-QĀSEM iii. MAUSOLEUM.  
<https://iranicaonline.org/articles/ferdowski-iii>
  - Tavakoli-Targhi, M. 2008. Narrative identity in the works of Hedayat and his contemporaries. In: Sadegh Hedayat, His work and his wondrous world. Edited by H. Katouzian. London & New York: Routledge.
  - نشریه انجمن آثار ملی. ۱۳۵۵. تجدید حیات فرهنگی در دوران شکوفان پهلوی. شماره ۱.
  - نشریه ایرانشهر. ۱۳۰۱. فرش بهار کسری. سال ۱ شماره ۹.
  - نشریه ایرانشهر. ۱۳۰۴. الف. صنایع ظریفه: قبر فردوسی. ۳(۱۰).
  - نشریه ایرانشهر. ۱۳۰۴. ب. صنایع ظریفه: انجمن آثار ملی. ۳(۱۲).
  - نشریه ایران و آمریکا. ۱۳۲۵. شرح حال و شخصیت و آثار فردوسی. ۲۵(۱۴).
  - نشریه کاوه. ۱۳۰۰. مشاهیر شعرای ایران: فردوسی. سال ۲ (دوره جدید)، شماره ۱۲.
  - نشریه مهر. ۱۳۱۳. گزارش کنگره فردوسی. سال ۲، شماره ۶ و ۷-۶۹۳.
  - نشریه وحید. ۱۳۵۴. چگونه آرامگاه فردوسی به وجود آمد؟. دوره ۱۳، شماره ۱۸۸، ۱۰۴۸-۱۰۴۴.
  - نشریه وحید. ۱۳۴۶. فخرالدین شادمان زندگی و آثار او. شماره ۴۶، ۸۷۵-۸۷۳.  
<http://noo.rs/IXPTg>
  - نشریه هنر و مردم. ۱۳۵۴. آرامگاه حماسه‌سرای بزرگ ایران. شماره ۱۵۳ و ۱۵۴، ۱۵۴-۱۵۲.  
<http://noo.rs/diinN>
  - منابع لاتین
  - Grigor, T. 2004. Recultivating good taste: the early pahlavi modernists and their society for national heritage. Iranian Studies, 37:1, 45-17.  
<https://www.jstor.org/stable/4311590>
  - ۲۰۱۱. Kingship Hybridized, Kingship Homogenized: Revivalism under the Qajar and the Pahlavi Dynasties. In: Persian Kingship and Architecture, Strategies of Power in Iran from Achamenids to the Pahlavis. Edited by S. Babaie & T. Grigor. I.B.Tauris.  
<http://www.worldcat.org/oclc/909164324>
  - Jackson, A. V. W. 1911. From Constantinople to Other Home of



[greece/a/introduction-to-greek-architecture](https://ora.ox.ac.uk/objects/uuid:33196008-0300-4046-9104-084000932220)

- SOVA (1). *FSA A.6 04.GN.2998: Tus (Iran): Remnants of Firdawsi's Grave.* (Cited 2020/9/5).  
<https://sova.si.edu/details/FSA.A.06#ref27965>
- SOVA (2). *FSA A.6 04.GN.2997: Tus (Iran): Remnants of Firdawsi's Grave.* (Cited 2020/9/5).  
<https://sova.si.edu/details/FSA.A.06#ref27964>
- SOVA (3). *FSA A.6 04.GN.2992: Tus (Iran): Gravestone Found in the Vicinity of Haruniya Mausoleum.* (Cited 2020/9/5).  
<https://sova.si.edu/details/FSA.A.06#ref27966>
- SOVA (4). *FSA A.06 05.0758: D-758: Tus. Suggested plan and design for tomb of Firdawsi.* (Cited 2020/9/5).  
<https://sova.si.edu/details/FSA.A.06#ref9445>
- The Nelson Collection (1). *Reza Shah Pahlavi with members of parliament at Tus for the inauguration of the Ferdowsi Mausoleum.* (Cited 2020/9/5).  
<https://www.thenelsoncollection.co.uk/artworks/categories/6/9874/>
- The Nelson Collection (2). *Ferdowsi's mausoleum in Tus 1934.* (Cited 2020/9/5).
- <https://www.thenelsoncollection.co.uk/artworks/categories/6/9881/>

<https://ora.ox.ac.uk/objects/uuid:33196008-0300-4046-9104-084000932220>

- 2009. *Historiography and Crafting Iranian National Identity.* In: *Iran in the 20th Century.* Edited by T. Atabaki. London and New York: I.B.Tauris.  
<http://www.worldcat.org/oclc/1178959786>
- Wilber, D. 1986. *ARCHITECTURE vii. Pahlavi before World War II.*  
<https://iranicaonline.org/articles/architecture-vii>

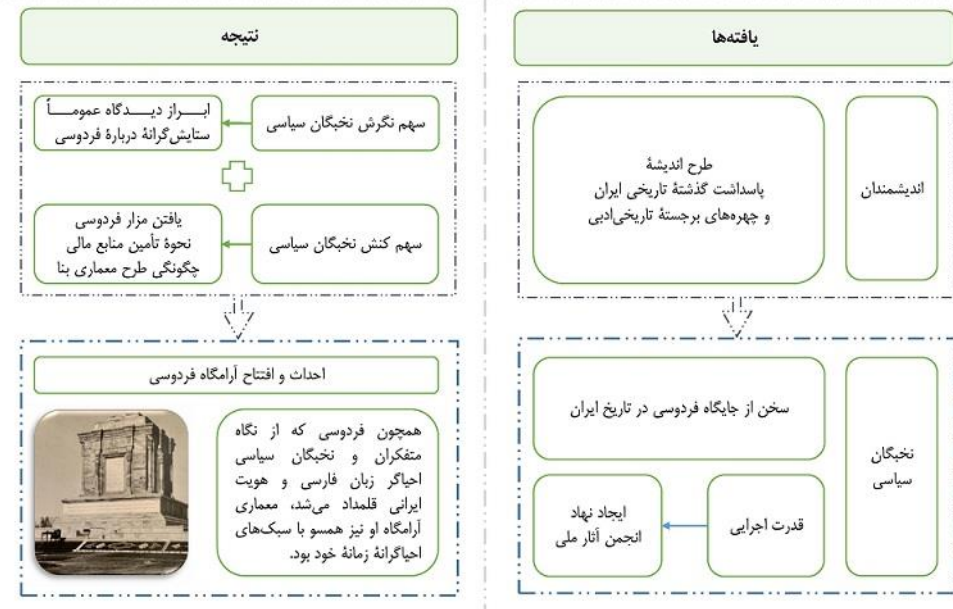
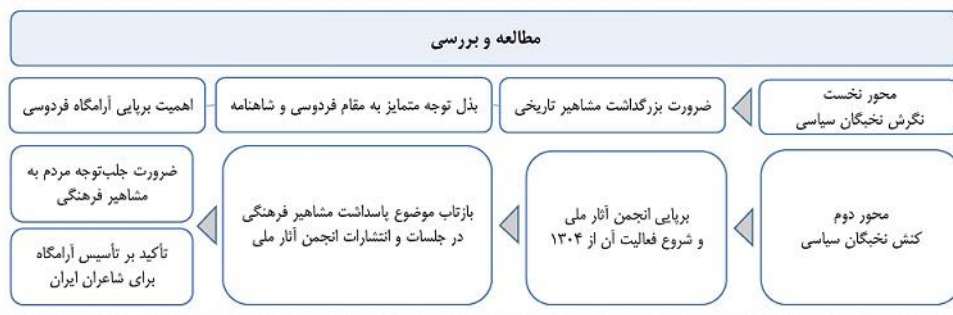
### منابع اینترنتی

- کتابخانه دیجیتال آستان قدس رضوی. بلیط بخت‌آزمایی برای تکمیل ساختمان آرامگاه و تجلیل جشن هزار ساله حکیم ابوالقاسم فردوسی. شماره ثبت ۳۱۷۵۶.  
<https://digital.aqr.ir/newindex.aspx?pid=6&ID=1245766&CBNID=34617e17-0802-4006-0702-9205000007050>
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱). *تصمیم جلسه پانزدهم حوت ۱۳۰۳ راجع به دعوت دولت به تعمیر مقبره حکیم ابوالقاسم فردوسی (۱۳۰۳ ش.)* (دسترسی در ۲۰۲۰/۹/۵).  
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91297>
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۲). *قانون اجازه تخصیص عوائد اضافی تمیر فردوسی برای ساختن مقبره فردوسی (۱۳۰۴ ش.)* (دسترسی در ۲۰۲۰/۹/۵).  
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91059>
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۳). *قانون اختصاص بیست هزار تومان از محل صرفه جویی بودجه ۱۳۰۶ مجلس برای ساختمان مقبره فردوسی (۱۳۰۶ ش.)* (دسترسی در ۲۰۲۰/۹/۵).  
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91580>
- Archnet. *Firdawsi Mausoleum.* (Cited 2020/9/5).  
<https://archnet.org/sites/5405>
- Khan Academy. *Introduction to Greek architecture.* (Cited 2020/9/5).  
<https://www.khanacademy.org/humanities/ancient-art-civilizations/greek-art/beginners-guide->



۱۳- چکیده تصویری

سهم نگرش و کنش نخبگان سیاسی در برپایی آرامگاه فردوسی



دوفصلنامه اندیشه معماری، نشریه علمی، سال پنجم، شماره نهم

بهار و تابستان ۱۴۰۰

